

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان در تکبیتی‌های آنان

محمدحسین خان‌محمدی^{۱*} اکرم دولتی‌سیاب^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۴/۱۳، تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۲۰)

چکیده

ساکنان استان لرستان، به دو گویش لری بختیاری و لری فارسی و زبان لکی سخن می‌گویند. لک‌زبانان ساکن شمال و غرب لرستان، بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ خود را در قالب تکبیتی به زبان لکی به صورت شفاهی یا کتبی بیان کرده‌اند. از جمله این تکبیتی‌ها - که بیانگر آداب و رسوم و فرهنگ مردم این خطه است - می‌توان به تکبیتی‌های فال «چل‌سرو» و «مور» اشاره کرد. مقاله حاضر بر اساس منابع کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و هدف از آن، کشف رابطه میان تکبیت‌ها و پوشش زنان و مردان لک‌زبان است. در تکبیتی‌های فال «چل‌سرو» - که به آن اشعار شادمانه هم گفته می‌شود - معمولاً پوشش زنان از جمله سرون، سرداری، کلنجه، کوش، کراس، ژیرجامه، و زیورآلات مختلف زنانه، توصیف شده است که حاکی از اهمیت و تنوع پوشش زنان لک‌زبان، جایگاه اجتماعی و میزان دارایی آنان است. در ابیات «مور» (مویه) نیز که مضامین غمناک و اندوه‌آلود را دربر دارد، پوشش مردان بیشتر از پوشش زنان توصیف شده است. در برخی از این ابیات، به شباهت پوشش دولت‌مردان ماد و آیین زردشت با پوشش لک‌زبانان این استان، اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی: لباس، لرستان، قوم لک، چهل‌سرود، مویه.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

* h.khanmohammadi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

۱. مقدمه

در سرزمین ایران اقوام متعددی با پوشش‌های متنوع زندگی می‌کنند. این پوشش‌ها تاریخچه و نماد هویت فرهنگی هر قوم است. شناخت فرهنگ اقوام، در گرو شناخت و بررسی لباس‌های سنتی آنان است؛ زیرا لباس‌های محلی و سنتی نمادی از فرهنگ و آداب و رسوم اقوام است. یکی از این اقوام، لک‌زبان هستند که بیشتر در استان‌های لرستان، کرمانشاه و ایلام ساکن‌اند. لک‌زبانان استان لرستان در شمال و غرب این استان ساکن هستند. آنچه مهم است این است که پوشش سنتی ساکنان این خطه، در گرایش‌های مذهبی، سنتی و شرایط اقلیمی ریشه دارد. لرستان یکی از استان‌هایی است که از نظر فرهنگی، غنی است. «لرستان سرزمینی باستانی و دارای پیشینه تاریخی کهنی در جهان است. سرزمینی که فرهنگی مستقل و غنی داشته و طبعاً از نظر پوشاک نیز با توجه به شرایط اقلیمی خود دارای پوششی مناسب و وضعیت موجود روحیه مردم بوده است. لباس سنتی مردم لرستان یکی از زیباترین لباس‌های بومی ایران است» (پارسا، ۱۳۸۸: ۵۳).

یکی از مهم‌ترین راه‌های شناخت پوشش سنتی لک‌زبانان، وجود ابیاتی است که در قالب تک‌بیتی و به زبان لکی سروده شده است. این ابیات که با آهنگی خاص خوانده می‌شوند، سراینده اصلی آن مشخص نیست و در زمان خاصی هم سروده نشده است. این تک‌بیتی‌ها، عاری از صنایع ادبی پیچیده در دیگر قالب‌های شعری است. مضمون بیشتر این تک‌بیتی‌ها یا نشانی از درد و رنج زمانه دارند که به زبان لکی «هوره»^۱ گفته می‌شود یا در وصف هجران و مرگ عزیزان است که در مجالس ترحیم و مراسم سوگواری خوانده می‌شود و لک‌زبانان به آن «مور» می‌گویند و برخی دیگر از ابیات آن که مضمونی عاشقانه دارد و در وصف معشوق و زیبایی‌های پوشش و زیورآلات اوست، به شکل فال اجرا می‌شود. ابیات این فال را «چل‌سرو» می‌گویند. در ابیات تک‌بیتی‌های «مور»- که بیشتر به توصیف پوشش مردان می‌پردازد- گاهی به شباهت پوشش مردان لک‌زبان با پوشش دولت‌مردان حکومت ماد اشاره می‌شود.

نه رشمه گمر، نه پوس گلپوس^۲ کول گمر و بی‌شال، شال بی‌کشکول

Na ar meamar an paskalpase kal/Va be?l ?!be ka kaktamar

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان و... _____ محمدحسین خان‌محمدی و همکار

برگردان: نه یراق کمر بند دارم و نه پوست گل وحشی بر دوش و نه شال و کشکول بر کمر دارم.

«کلیوس» نیم‌تنه‌ای بود که معمولاً رؤسای ایل تا چندی پیش می‌پوشیدند. «رؤسای ایل هنگام شرکت در مراسم عزاداری این پوست‌ها را که همچون نیم‌تنه بر تن داشتند، درمی‌آوردند و بر روی دوش و پشت خود آویزان می‌کردند» (دوستی، ۱۳۹۲: ۳۷). این پوشش مردان لک‌زبان، شبیه پوشش مردان دورهٔ مادها بوده است که در بسیاری از سروده‌ها به این پوشش اشاره شده است. در زمان مادها «مردان روی نیم‌تنه، لباسی از پوست حیوانات که نشان‌دهندهٔ شأن و جایگاه اجتماعی‌شان بوده، می‌پوشیدند. رؤسای ایل، پوست یوزپلنگ، نگهبانان و محافظان پوست بز کوهی و مردم عادی پوست گوسفند می‌پوشیدند» (همان، ۳۶). علاوه بر تک‌بیتی‌ها، نوشاد ابوالوفایی، شاعر معروف دوران ملوک‌الطوایفی در منظومهٔ «دار جنگه» به پوششی مردانه از پوست بز کوهی اشاره کرده است:

هامدلان وختسی، هامدلان وختسی ژ روژان روژی، ژ وختان وختی
جوی قیس پوشاویم ژ کلیوس رختی راکم کفت و پای عالی درختی

Həmdelən vaxte Həmdelən vaxte/ a ro ʔn ro e a vaxtʔn vaxte// oy
qis ɔwim a Kalpax Raxte/ Rəkam kafte va pəye ʔli draxte

برگردان: ای هم‌دلان، ای هم‌فکران، روزی از روزها، مانند قیس بن‌عامر لباسی از پوست بز کوهی پوشیده بودم و از کنار درخت بسیار تنومندی رد می‌شدم.

بابا سرهنگ دودانی نیز از پوشیدن پوست در اشعار خود یاد کرده است:

هایاگم چوکن، هایاگم چوکن و وینه فرهاد، هایاگم چوکن
لایم نه باکن، پوسیم نه کوکن هامدمم کوهن، یاران نه هوکن

Həyʔgam ɔlan, Həyʔgam ɔlan/ Va vine farhəd, Həyʔgam ɔlan//
Lālem na bālan, pūsem na kūlan// Hāmedemem kūhan, Yārān na hūlan

برگردان: خانه و کاشانه‌ام خالی از سکنه و ویران است و مانند فرهاد کاشانه‌ام ویران است. بازوبند بر بازو بسته‌ام و پوست بر دوش دارم. هم‌نشینم کوه است و یاران دل مشغول‌اند.

لباس محلی این قوم، مشخص‌ترین نماد هویت و فرهنگ آن‌هاست. این لباس در مدت هزاران سال، تغییرات اندکی یافته است. با وجود تغییرات تحمیلی لباس به فرمان رضاخان در ایران، تنها تغییراتی که در لباس ساکنان این خطه صورت گرفت، یقهٔ لباس

مردان یا همان «ستره» -از یقه ساده به یقه برگردان (بلیزر) که در لرستان به «یقه تبری» معروف است- تغییر داده شد و لباس زنان «کلنجه» بدون چاک دوخته می‌شود. با این اوصاف، لباس لک‌زبانان از محدود لباس‌های سنتی است که با وجود تهاجم فرهنگی، دستخوش کمترین تغییرات شده است.

۲. پیشینه و هدف پژوهش

از دیرباز، تحقیقات بسیاری درباره انواع پوشاک و لباس‌های محلی قومیت‌های مختلف صورت گرفته است. در این پژوهش‌ها نوع لباس هر قوم مشخص شده است، از جمله جلیل ضیاءپور در کتاب *پوشاک ایل‌ها، چادر نشینان و روستاهای ایران* و حسین یآوری و شیدا سرخوش در کتاب *آشنایی با لباس‌ها و پوشاک سنتی مردم مناطق مختلف ایران* به این موضوع پرداخته‌اند. همچنین در این زمینه، مقالاتی نیز انتشار یافته است، از جمله مقاله «لباس‌های محلی خواف» نوشته عبدالمناف آق ارکاکلی. در سال‌های اخیر اداره کل میراث فرهنگی استان لرستان تحقیقاتی را برای معرفی و شناخت پوشش سنتی ساکنان این استان انجام داده است که از جمله می‌توان به پژوهش لیلا پهلوان با عنوان «پژوهش البسه محلی لرستان» اشاره کرد. این پژوهش به صورت کتابی در کتابخانه موزه خرم‌آباد نگهداری می‌شود. همچنین در سال‌های اخیر، پژوهشگران این خطه، ابیات زیادی از تکبیتی‌های لکی شامل «مور» و «چل سرو» را که به صورت شفاهی در بین مردم رواج دارد، جمع‌آوری کرده‌اند. از بین این پژوهشگران، جهان‌شاه آزادبخت نویسنده *سروده‌های ماندگار*، کرم‌دوستی نویسنده *مردم‌شناسی ادبیات لکی*، علیمردان عسکری عالم، نویسنده *فرهنگ عامه لرستان* و ده‌ها نویسنده دیگر را می‌توان نام برد. در این مقاله سعی بر این است که کمک این تکبیتی‌ها- که بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ مردم این خطه را بیان می‌کند- پوشش سنتی زنان و مردان لک‌زبان لرستان معرفی شود تا خوانندگان گرامی با انواع پوشش سنتی این قوم آشنا شوند.

۳. تکبیتی‌های چهل سرود

در بین اشعار لک‌زبانان، تکبیتی‌های شادمانه‌ای با عنوان چهل سرود دیده می‌شود که در بین ساکنان این منطقه به فال «چل سرو» معروف است. ابیات فال چهل سرود/ چل سرو به بخشی از فرهنگ شفاهی مناطقی از زاگرس می‌پردازد. هنوز هم در بسیاری از مناطق

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان و... _____ محمدحسین خان محمدی و همکار

زاگرس، این گونه فال، رایج است و در شمار میراث مدنیت گذشته به‌شمار می‌آید (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۸۱).

ابیات تکبیتی‌های چل‌سرو که در بین مردم لک‌زبان نوعی تفأل شمرده می‌شود، ریشه در دوران کهن دارد. بنابر اسناد و مدارک، قبل از ظهور زردشت، «آیین مهرپرستی» در ایران رواج داشته است. نخستین بار مهرپرستی در غرب ایران رواج یافته است. با ظهور زردشت، مهر جایگاه نخستین خود را از دست داد؛ اما به‌عنوان یکی از ایزدان در دین زردشتی باقی ماند (رستم‌پور، ۱۳۸۱: ۲۶). بنابراین لک‌زبانان که همگی ساکن غرب ایران و به آیین مهرپرستی بوده‌اند، با ابداع فال چهل‌سرود^۵ که در آن بیشتر به اعتقادات مهرپرستی رایج در بین مردم اشاره داشت- سعی در حفظ آن آیین داشتند (نجف‌زاده قبادی، ۱۳۹۱: ۹۵). سراینده این تکبیتی‌ها مشخص نیست و نمی‌توان آن‌ها را به یک نفر یا دوره زمانی خاصی نسبت داد؛ زیرا برخی از سروده‌ها به زمان‌های دور اشاره دارد و برخی نیز به رخدادهایی اشاره می‌کنند که پیشینه‌ای متجاوز از دویست سال ندارد (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۲۷). در این تکبیتی‌ها برخی از لباس و زیورآلات زنان لک‌زبان بیان شده است. این لباس لها عبارت‌اند از:

۳-۱. سروَن

در زبان لکی سرِبند را «سروَن» می‌گویند.

هرگز وی خاصی سروَن نوستی وَ بان سروَن، چپی گل بستنی

Hargez vey xāsi sarvan navasti/ Va bʔne sarvan ape gol basti



تصویر ۱- سرِبند

برگردان: هرگز به این خوبی سرِبند نبسته‌ای؛ سرِبندی زیبا که گل‌های روی آن زیباتر از هر زمان دیگری است.

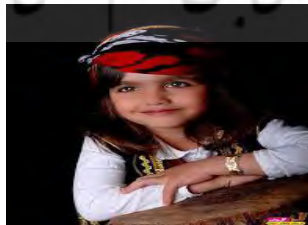
یا هُمسات بُیام یا وه رَوَنت یا گلی بُیام ئرقی سَرَوَنت
yā homsāt bowyām Yā va ravanet/ yā goley bowyām ar qi sarvanet
برگردان: کاش همسایه تو یا در گذر تو بودم یا همچون گلی نقش بسته بر روی
سربند تو بودم.

ای هوارر آمین توپ گل دمی سرون سنگه لای پیاله چمی
ey Howārer āmin tūp gol dame/ Sarvan sangalāy pyāla came
برگردان: زن زیبای غنچه دهانی با سربندی کج و چشمانی درشت از پایین می آمد.
زنانی که موقعیت مالی و اجتماعی خوبی دارند، سربند را کج بر سر می بندند؛
به گونه ای که سربند، پیشانی سمت چپ را تا پشت ابرو می پوشاند و در سمت راست
قسمتی از موهای جلوی سر معلوم است. این نشان دهنده تکبر و غرور و بزرگ منشی
زنان است.

سیره کت کج که بالا سرون کج گردن چی بلور، بالا چمی نی وچ
Serakat kaj kou b!l? sarvan kaj/ Gardan i belor b!l? i ney va
برگردان: ای بلند بالایی که گردنی چون بلور داری، سربندت را کج بر سر بگذار.
کج بستن سربند حاکی از موقعیت اجتماعی - اقتصادی بالا و یا غرور خانم هایی
است که این گونه سربند بر سر می بندند.
زنان لک زبان چند نوع سربند دارند، از جمله گلونی، لچک، کت، هراتی، امیری و
کلهر.

۳-۱-۱. گلونی

بچم تجارت و یاری علی آرانیت بآرم دسی گلونی
Be ma tejārat va yāri ali/ Arānet bārem dase golvani
برگردان: به مدد و یاری حضرت علی^(ع) به تجارت می روم تا برایت سربندی
«گلونی» بیاورم.



تصویر شماره ۲- گلونی

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان و... _____ محمدحسین خان محمدی و همکار

گلوئی پارچه ابریشمی مخصوصی است که زنان به سر می‌بندند (پارسا، ۱۳۸۸: ۵۵). این پارچه پشت گردن را هم می‌پوشاند؛ به‌گونه‌ای که دنباله‌اش بر پشت سر آویزان می‌شود و با روش‌های خاصی گره زده می‌شود. «این ابریشمین که چون رنگین‌کمان پر از رنگ در جای جای زندگی این قوم دارای چند پیشه است. گاه بر سر دخترکان به سان چهره‌شان گلگون می‌نماید» (بیرانوند، ۱۳۹۰: ۴۵). این سرپند ابعاد مختلفی دارد. برخی از زنان، چهار تخته گلونی را به هم می‌دوزند تا سرپند بزرگ‌تری به دست آید. بزرگی سرپند، متأثر از موقعیت اجتماعی و سن قرار می‌گیرد. این سرپند معمولاً ترکیبی از رنگ‌های قرمز، سفید و مشکی است.

۲-۱-۳. لچک

لچک نارنجی گری لا سرون / مر شیرین بستوا شر ارمن

La ek nārenji gere lā sarvan/ Mar ir in bestow eare arman

برگردان: سرپند و لچک نارنجی رنگ زیبای داری و بر گوشه آن گره‌ای زده‌ای. به جز شیرین در شهر ارمن، کسی به این زیبایی سرپند نبسته است.



تصویر شماره ۳- لچک

لچک پارچه‌ای است «مربع که زنان، هر دو گوشه آن را بر روی هم اندازند و مثلث شود» (شهشانی، ۱۳۷۴: ۱۷). لچک را که دستاری بلند و زیباست، زنان بر سر می‌بندند (رحیمی‌عثمانوندی، ۱۳۷۹: ۱۱۵). جنس آن از پنبه است و معمولاً در منزل می‌پوشند؛ زیرا هم راحت‌تر و هم ارزان‌تر از بقیه سرپندهاست.

۳-۱-۳. کت

پنج گز فاق دیز کردیه سیه کیراس / گت کیرماشونی آشتیوشون راس

Panj gaz fāq deyz kerdeya-seya kerās/ Kat kermā ?ni ā tye onās

برگردان: دوستم پیراهنی بلند از پارچه فاق دوخته و «کت» کرمانشاهی بر روی شانه انداخته است.

کت چهار تخته پارچه ابریشمی ۱×۱ متر است که آن را به صورت مربع به هم وصل می‌کنند. ترکیبی از رنگ‌های مشکی و جگری است که زنان لک‌زبان در زمان عزاداری به سر می‌بندند. گاهی اوقات یک کت و یک گلونی را به هم می‌دوزند تا سربند بزرگ‌تری به دست آید. «کت خاص زنان میان‌سال و پیر است. افزون بر سربند از آن به‌عنوان چارقد نیز استفاده می‌کنند و روی دوش می‌اندازند و در مراسم عزاداری شرکت می‌کنند» (عسکری عالم، ۱۳۸۷: ۲/۲۷).

۳-۱-۴. امیری

سرت و سرون / امیری پتی هاین و تیارک موگ روژیستی

Saret va sarvan amiri pati/ Hāyan va teyārek mog ra yati

برگردان: سربند امیری را از سرت درآوردی و آماده دیدن یار هستی.

امیری نوعی سربند ابریشمی است در ابعاد $2/5 \times 2/5$ متر. زمینه این سربند ترکیبی از رنگ‌های مشکی و جگری است و حاشیه آن خط‌های باریکی از رنگ‌های سبز، جگری، آبی و مشکی دارد. سربند امیری را زنان میان‌سال و پیری می‌پوشند که موقعیت مالی و اجتماعی بالایی دارند.

۳-۱-۵. کلهر

گردی نیم لیره، سکه احمدشا کلهر پیچ کردیه بونیه تماشا

Gerdi nimlerra seke amad /%Kalhor pe kerdeye boneya tam? ?

برگردان: یار دل‌ربایم با نیم لیره‌های گرد و سکه‌های زمان احمدشاه قاجار، خود را آراسته و سربندی همچون زنان کلهر بر دور سر بسته است. بیایید تماشا کنید. کلهر سربندی ابریشمی است در ابعاد 2×2 متر. این سربند شبیه «کت» است که گاهی دو یا چهار تخته از این سربند را به هم وصل می‌کنند تا سربند بزرگ‌تری به دست آید. این سربند را معمولاً زنان مُسن به سر می‌بندند.

۳-۲. سرداری

دم در، دُسو در، در ثربان در سرداری مخمل تازه قیچی بر

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان و... _____ محمدحسین خان‌محمدی و همکار

Sardʒri maxmal tʒza qi i bə Dam dorr deno dorr, dorr ar bān dorr/
برگردان: دوستم که سرداری مخمل تازه دوخته‌شده پوشیده است، دهان و دندان‌هایش هر دو شبیه دُر هستند.

میمی تو پیرین گوپت قویپایه سرداری مخمل و تو منایه

Mimi to pirin, gopet xopiyāya/ Sardāri maxmal va to manāya

برگردان: خاله یا عمه، تو پیر شدی و گونه‌ات استخوانی شده است؛ پوشیدن سرداری مخمل برای سن و سال تو مناسب نیست.

سرداری زیباترین لباس سنتی زنان لک‌زبان است که بلندی آن مانند پالتو تا زیر زانوست و بر روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود. سبب نام‌گذاری آن به سرداری، این است که شبیه به لباس سرداران و بزرگان بوده است. جنس سرداری از مخمل‌های رنگی شاد و زیباست. «سرداری آستین بلند دارد» (دوستی، ۱۳۹۲: ۹۹). قسمت‌های سردست و یقه آن از مخملی رنگی انتخاب می‌شود تا با مخمل اصلی در تضاد نباشد و بر زیبایی سرداری بیفزاید. «کناره‌های سرداری، دور دامن و آستین آن را نیز به پهنای دو سه انگشت یراق و نواردوزی می‌کنند» (فهم‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۰۸)؛ اما زنانی که موقعیت اقتصادی- اجتماعی خوبی دارند دور آستین و دو طرف سرداری را دو ردیف یراق و نواردوزی می‌کنند و به آن سرداری دو اخراج می‌گویند.

۳-۳. کَلَنجِه

کَلَنجِه تن‌پوشی زنانه است که آستین ندارد (دوستی، ۱۳۹۲: ۹۹) و معمولاً در زیر سرداری و روی پیراهن می‌پوشند و همانند کُت معمولی جلو آن باز است «در بسیاری از موارد با سکه‌های قدیمی رویه جلوی آن را سکه‌دوزی و تزیین می‌کنند» (پارسا، ۱۳۸۵: ۵۵).

سرداری مخمل، کَلَنجِه زرین چوی کل کَلما، ار نوم قی گرین

Sardāri maxmal Kolanja zarin/ oy kale kalmʒ ar numqe garin

برگردان: سرداری از جنس مخمل و کَلَنجِه زربفت دارد؛ همچون کل کوهی است که آشیانه‌اش در میانه کوه گرین قرار دارد.

کَلَنجِهت مَحْمَل نوک بالی زرین مَری کوگی کین داتِه‌سو گرین

Kolanjat maxmal nok bāle zarrin/ Mari kogi kin dātasow garin

برگردان: کُنجهٔ مخمل با یراق‌های زرین پوشیده‌ای و همچون کبکی در کوه گرین می‌خرامی.
کُنجه را معمولاً از جنس مخمل‌های بدون طرح و به رنگ‌های سبز، مشکی و قرمز می‌دوزند.

۳-۴. کوش

جفتی کوش کیش، کارگاوآره دته تو ایر کیش، بی‌لنج ولاره

jefti kow ki , kʌgʌwʌra/ Deta tow irki be kaj ow lʌra

برگردان: یک جفت کفش پاشنه‌بلند که کار دست مردم منطقهٔ گهوارهٔ اسلام‌آباد است، بدون لجبازی و بگو مگو بپوش.

در زبان لکی به کفش «کُوش» می‌گویند. کفش زنان این خطه را به شیوه‌های مختلفی درست می‌کنند. نمونه‌هایی از این کفش‌ها عبارت‌اند از: تاییده چن، آژی، اُرسی و ...

۳-۴-۱. اُرسی

اُرسی نوعی کفش چرمی با پاشنه‌ای بلند که تخت آن از جنس لاستیک است و در مهمانی‌ها و جشن‌ها می‌پوشیدند.

یاران بُو بچیم دنگ سازی مای رَمه اُرسی بازی هُوازی مای

Yʌrʌn bu be im dange sʌzi mʌi/ Rame ousri bāzi Howāze māi

برگردان: دوستان! صدای ساز و صدای پای رقاصان به گوش می‌رسد. بیایید برویم تماشا.

هر کی بای بُوش دُوسکم رسی میزگانا میه می جفتی اُرسی

Har ke bʌy bu dʌsakam rasi/ Mezgʌnʌ meyamy jefti ousri

برگردان: هر کسی از آمدن دوستم خبر بدهد، یک جفت کفش «اُرسی» را به عنوان مژدگانی به او می‌دهم.

کفش اُرسی نسبت به بقیه کفش‌های زنانه ارزش بیشتری دارد و به همین دلیل در این تکبیتی به عنوان مژدگانی باارزشی از آن یاد شده است.

۳-۵. کراس

در زبان لکی پیراهن را «کراس» گویند. تحقیقات نشان می‌دهد که زنان ایران‌زمین، از زمان مادها- نخستین ساکنان آریایی ایران- حجاب کاملی داشته‌اند که شامل پیراهن بلند چین‌دار و ... بود. این حجاب در سلسله‌های مختلف پارس‌ها نیز رایج بوده است. پوشش هخامنشیان نیز با اندکی تفاوت همان پوشش مادهاست. با کمی تأمل در خصوصیات و چگونگی پوشاک مادها و هخامنشیان از روی نقوش به‌جا مانده از آن زمان، به شباهت پوشش زنان بومی آنان برمی‌خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند با چین‌هایی در کمر است. پیراهن محلی زنان لک‌زبان شباهت زیادی به این پوشش دارد (زینی‌پور، ۱۳۹۳: ۹).

کراس کرج و نو کردیه سی ور هوا برز بیه کی کس نیمه کی نو سر

Kerʔs ker o nu kerdeya si var/ Havā barz biye kas nemaki ow sar
برگردان: پیراهن چین‌دار و نو بر تن کرده و مغرور شده است و به کسی توجه نمی‌کند.

کراسم بریایه چنه قروشی خودا برسن پارچه فروشی

Xodʔ berasn pʔr a feru Kerʔsam beryʔ ena qoreu i/
برگردان: پیراهنم به اندازه سکه‌ای پاره شده است. خدایا پارچه‌فروشی برسان.
کراس پیراهنی است بلند که زنان لک‌زبان آن را می‌پوشند و تا پشت پای آنان را می‌پوشاند. یقه آن گرد است. جلو پیراهن از زیر گلو تا روی سینه چاک دارد و گاهی از پهلوی گردن یقه سه گوش دارد (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۹۹).

کراسی کردیه‌ی سر تا پا لاله نه گل، نه کوتاه نه زمین مال

Kerāse kerdeye sar tā pā lāla/ Na kol na kutāh na zamin māla
برگردان: پیراهنی رنگی و بسیار شاد که به قد و قواره، برازنده اندام زیبای اوست، پوشیده است.

سر تا پا لاله = کنایه از بسیار شاد است.

نه گل، نه کوتاه نه زمین ماله = نه کوتاه و نه بسیار بلند است.

زنان این خطه برای تنوع و زیبایی، پارچه پیراهن‌های خود را بیشتر از رنگ‌های شاد انتخاب می‌کنند و بلندی این پیراهن تا پشت پایشان است. زنان بختیاری ساکن

لرستان معمولاً پیراهن بلند می‌پوشند؛ به گونه‌ای که دامن آن بر روی زمین کشیده می‌شود و در زبان لکی «زمین مال» می‌گویند و زنان لر هم پیراهنی تا زیر زانو می‌پوشند که به آن «کُل» یا کوتاه گفته می‌شود؛ اما بلندی پیراهن زنان لک‌زبان تا **مچ** پاست. این تک‌بیتی، پیراهن زنان لک‌زبان را این چنین توصیف می‌کند که این پیراهن نه مثل پیراهن زنان لر، کوتاه و نه مثل پیراهن زنان بختیاری، بلند است.

۱-۵-۳. کراس مخمل^۵

کراسِت نازکِ مخملِ پُوسه خوشال وه یکی و گردِت دوسه

Ker?set n?zek maxmale pusa/ Xo l?va yaki va gartet dusa

برگردان: ای کسی که پیراهنی از جنس مخمل و پوست بر تن داری، خوشا به حال کسی که دوست توست.
پیراهن مخملی را معمولاً در مراسم جشن و شادی می‌پوشند.

۲-۵-۳. کراس چیت

کراسِت چیتِه، چیتِ گلِ داره سیصد کشتیه سی، پونصد بیماره

Ker?sat ita ite gold?ra / Seysad ko t?asi ponsad bim?ra

برگردان: پیراهنت از جنس چیت گل‌دار است. زیبایی این پیراهن، جمعی را کشته و گروهی را بیمار خود کرده است.

کراسِت چیتِه ور نیمه گری دوسی من و تو سر نیمه گری

Ker?sat ita var nemageri/ Dusi men o to sar nemageri

برگردان: پیراهن تو از جنس چیت و نازک است و دوامی ندارد. یقین دارم دوستی من و تو هم مانند این پیراهن، پابرجا و ماندگار نیست.

۳-۵-۳. کراس تریژبالا^۶

کراسه کی مهناز ئی هفتا رنگه اوساکی کور بُو بن بالی تنگه^۷

Ker?sa ke mahn?z e haft?ranga/Ous?key kur bu benb?ley tanga

برگردان: پیراهن مهناز، رنگارنگ و زیبا دوخته شده است، حیف که حلقه آستین آن، تنگ است.

کراس تریژبالا پیراهن زنانه‌ای است که در قسمت بالاتنه در حلقه آستین پارچه‌ای به صورت مثلث به بالاتنه وصل می‌کنند و به آستین می‌دوزند. این کار سبب گشادی

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان و... _____ محمدحسین خان‌محمدی و همکار

حلقه آستین پیراهن می‌شود. در غیر این صورت، حلقه آستین تنگ می‌شود و زمان کار با مشکل مواجه می‌شوند.

۳-۶. ژیرجامه

کراسه حریر ژیرجامه تافته لو چو پری گل تازه شکافته

irjāma tāfta Kerāsat harir /Low ow parigol tʃza leʃfta

برگردان: پیراهنت حریر و زیر پیراهنت تافته است و لبانت چون پر گل نو شکفته است.

زیرپیراهن را به گویش محلی «ژیرجامه» یا ژیرکراس می‌گویند که جنس آن از شال و یا از پارچه‌های پنبه‌ای است. آستین آن کوتاه و بلندی آن تا زیر زانوست. این تن پوش، یقه‌ای گرد دارد و از جلو گردن، چاک می‌خورد. معمولاً دور تا دور گردن آن را با نوارهای رنگی، نواردوزی می‌کنند.

۳-۷. زیورآلات زنانه

زنان این خطه بنابر ذوق و سلیقه خود، برای تنوع و زیبایی، بیشتر لباس‌های سنتی خود را با سکه‌های قدیمی، پولک و گاه با یراق‌دوزی تزیین می‌کردند.

۳-۷-۱. یخه دشتکی

شله پنج قرونی چال تینی^۱ دوس گورگور مسوزیا چی شم یا فانوس

ole panj qaroni ke tini dus/ gor gor mazozy? i m y? fanus

برگردان: برق و شعله پنج ریالی بند یقه دوست، همانند شعله شمع و فانوس، هر لحظه می‌درخشد.

کوینه باخکم گرتیسی میوه ذری دو قرشی چال تینی^۲ بیوه

Kowyna bāxakam gerteyasi miva/ Zere dow qoro i leʃtini biva

برگردان: صدای دو ریالی یقه پیراهن بیوه‌زنی، باغ کهنه نامیدیم را ثمربخش کرده است.

زنانی که وضعیت مالی خوبی داشتند تعدادی سکه قدیمی را که حلقه‌هایی به آن وصل شده بود، به پارچه‌ای مشکی می‌دوختند و به دور یقه پیراهن می‌انداختند؛ به-

گونه‌ای که سکه‌ها به گردن بچسبند و به اصطلاح آن را یخه دشتکی می‌گفتند؛ اما زنانی تمکن مالی نداشتند، تنها یک سکه دو ریالی را به یقه پیراهن می‌دوختند. در این تکبیتی از زنان بیوه‌ای که وضعیت مالی خوبی ندارند و فقط یک سکه را به جای یخه دشتکی به یقه پیراهن می‌دوزند، یاد می‌کند.

۲-۷-۳. بون سرونی

وی مؤنگه قسَم چنه چنی که چن پنج قرونی قی سرونی که

Ve monga qasam ena anei ka/ an panj qarowni qe sarvani

برگردان: به این ماه سوگند که به اندازه پنج ریالی روی سربندی است.



تصویر ۴- بان سرونی

زنان لک‌زبان برای تزیین سربند خود تعدادی سکه را که از قبل حلقه‌هایی به آن وصل کرده‌اند، به نخ‌ی آویزان می‌کنند و در مراسم شادی و مهمانی در قسمت بالای پیشانی روی سربند می‌بندند (پهلوان، ۱۳۹۳: ۹۴) و آن را بون سرونی^۱ می‌گویند. بون سرونی جلوه‌ای خاص به زنان منطقه می‌دهد.

۳-۷-۳. دریا اوریشم

دریا اوریشم هت و نوم شویم خدا رحم بکه ار بنه تومم

Darp? owri em ha nowm owri /Xod? rahm beke ar benatow mem

برگردان: اونی که پاچه شلوارش از ابریشم است، وارد مزرعه من شد. خدایا به بذر من رحم کن.

گوش و گوشواره، میل و توره وه دریا اوریشم، گلنگ شوره وه

Go go va mel va torra vah/Darp? owri a golang urvah

برگردان: بر گوش‌ها، گوشواره بسته، گردن را با تور پوشانده، پاچه شلوار را با منگوله‌های ابریشمی آذین بسته است.

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان و... _____ محمدحسین خان‌محمدی و همکار

یک نوع از شلوار زنانه این خطه از دو قسمت و دو رنگ تشکیل شده است و معمولاً از دمپا تا بالای زانو از جنس مخمل و یا از پارچه‌های ابریشمی است که نقشبندی و نواردوزی شده است و قسمت بالای زانو تا کمر از جنس چیت است. میچ پای شلوار زنانه را به دو شیوه، تزیین می‌کنند:

- هوارپا^{۱۲} مهره‌های ریزی هستند که در دو ردیف چهارتایی به میچ پای شلوار می‌دوزند. این بافت که کج بافته می‌شود به آن «هولک» یا «دِنون موشی» می‌گویند.
- جَریا تزیینی است از مهره‌های ریز رنگی در هشت ردیف که به بالای «هوارپا» اضافه می‌کنند.

۴-۷-۳. نیم لیره

اِحْموم هَتین، دَس وَ تاسه وه دَس وَ نیم لیره پر حَساس وه

e hamum hatin das va tãsa vah/ Das va nim leyra per hasãsa vah

دَس وَ نیم لیره = دست تا آرنج با دستبند آراسته شده است.
برگردان: از حمام بازگشتی و در دست، لگن حمام بود. دستانت تا آرنج با نیم‌لیره و دست‌بند آراسته شده بود. با وجود لگن، حجم زیاد نیم‌لیره‌ها محسوس بود و سبب غرورت می‌شد.
نوعی دستبند زنانه که با مهره‌های ریزی به صورت لوزی‌شکل درست می‌کنند و معمولاً زنان جوان می‌پوشند.

۵-۷-۳. گو و نیم‌گو

چَل گو، چَل نیم‌گو، چَل کریم‌خونی نُخره ریژ کردیه، تا ژیر زونی

el g, el nim g, el karimxoni/ noxra re kardeye t? ire zoni

«گو» و «نیم‌گو» اشکال مثلث‌مانندی از جنس نقره هستند. «کریم‌خانی» همان سکه‌های رایج دوره کریم‌خان زند است.
برگردان: چهل عدد گو و نیم‌گو، چهل سکه رایج کریم‌خان زند را به هم وصل کرده و با رشته کردنشان، خلخالی را از میچ پا تا زیر زانو بسته است.
زنان این خطه، بنابر ذوق و سلیقه خود، برای تنوع و زیبایی، روی لباس را با سکه‌های قدیمی و پولک تزیین می‌کنند.

۴. مور

«کلمه مور در اوستایی «مئور» و در پهلوی اشکانی «مئورک» و در پهلوی ساسانی «مویک» و به زبان دری «مویه» و امروزه «مویه» است (نجف‌زاده قبادی، ۱۳۹۱: ۱۹).

مویه به دو بخش «مور» و «هوره» تقسیم می‌شود. «مور» از قدیم‌ترین سرودهای زبان لکی است که آن را یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد زبان لکی می‌دانند. از نظر تاریخ، آن را به آیین و کیش زردشت نسبت می‌دهند. در تاریخ نیز آمده که در آیین زرتشت دو موسیقی (هوره و مور) وجود داشته است. دستگاه موسیقی ماهور نیز برگرفته از دو کلمه «مور» و «هوره» است. هوره در آیین مهرپرستی برای ستایش خورشید (هؤر) بوده است که در آن زمان و حتی بعد از آن در دستگاه ماهور خوانده می‌شده است (نجف‌زاده قبادی، ۱۳۹۱: ۱۹) و مور نوعی آواز است که بدون همراهی ساز و تنها با گرداندن صدا در گلو و در دستگاه ماهور - که از مایه‌های اصلی موسیقی ایرانی است - اجرا می‌شود و طی آن ابیات و اشعاری که به این منظور سروده شده‌اند، خوانده می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۰). این اشعار به فراخور جایگاه اجتماعی افراد در توصیف درد و رنج‌هایی است که مردم در دوره‌های مختلف کشیده‌اند. این تک‌بیتی‌ها که در زمان عزاداری خوانده می‌شوند، معرف مناسبی برای پوشش سنتی این خطه هستند.

۴-۱. جایگاه پوشش مردان در تک‌بیتی‌های مور

۴-۱-۱. ستیره

ئیی ستیره و شالّه کی کرد خلاتت ئیی سال نکیشیا مَنه میرانت

mana imirṣte naki šāl Kerd xelātet/ Setera ow la key

برگردان: این ستیره و شال را چه کسی به تو خلعت داد که به سال نرسیده، تو مُردی و آن‌ها میراث تو بر جای ماندند.



تصویر ۵- ستیره و شال

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان و... _____ محمدحسین خان‌محمدی و همکار

ستره از لباس‌های سنتی مردانه و روپوشی با طرحی ساده و به رنگ‌های مختلف است و بلندی آن تا ساق پاست. جلو آن باز است و در دو پهلو، جیب دارد و یقه برگردان است.

این لباس، یادآور لباس کشتی یا کُستی زرتشتیان است که در سن مخصوصی هر مرد زرتشتی باید طی مراسمی آن را بپوشد و شالی بر روی کمر ببندد. این شال پارچه‌ای سفیدرنگ بلندی است که بر روی ستره به دور کمر بدون گره بسته می‌شود. این شال یادآور کمر بند زرتشتیان است که بر روی کُستی بسته می‌شود (زینی‌پور، ۱۳۹۳: ۹).

۲-۱-۴. شال

ئیی هواریر آمی قیی وَ شال بَسَه ذهنم کور نَکه رُستم هر بَسَه

Howārer āmi qey va šāl basa/ Zehnem kūr naka rostaḡ har yasa

برگردان: از پایین که می‌آید، تنی نیرومند و قوی دارد و کمرش را با شال می‌بندد. مرا گمراه نکنید، این خود رستم است.

از بین پوشش مردان، از شال کمر که بر روی ستره بسته می‌شود، در «مور» بسیار یاد شده است. این شال در اصل از جنس چلوار سفیدرنگ و پارچه‌ای بلند به طول ۶-۹ متر و عرض ۶۰-۹۰ سانتی‌متر است که مردان این خطه آن را با شیوه‌ای خاص بدون گره بر دور کمر می‌پیچند.

قییت وَ شال بُوئن شالِش آرزانه وه هراتی بوئن هین بزرگانه

Qeyt va lšnoen šle ræʔna/ va harʔti boen hen bozorgʔna

برگردان: کمرت را با شال نبند که پارچه شال، برازنده تو نیست. آن را با هراتی ابریشمی که برازنده بزرگان است، ببند.

گاهی بزرگان ایل و طایفه به جای شال سفید، «هراتی» بر دور کمر می‌بندند که نوعی سربند ابریشمی زنانه است. به دور کمر بستن «هراتی» معرف شأن و منزلت والای اجتماعی پوشنده آن است.

هی که وَ میدان، وراث لیسک حور قییت وَ شال بُوس، دو قطار وَ سر

He ke va meydon vera liske howar/ Qeyt va lšbowas dow qatʔr va sar

برگردان: قبل از طلوع آفتاب به سوی میدان بتاز، بر کمرت شال ببند و روی شال،
قطار فشنگ.

مردان شکارچی و تفنگچیان نگهبان، قطار فشنگ را روی شال کمر می‌بندند.

۳-۱-۴. سرداری

سرداری به پوش چوخوا آر بانی تا تونّه سیل گر قوم و خویشانی

Sardāri be pu uxā ar bāni/ Tā bowna seil kar qowm o xi ʔni

برگردان: سرداریت را ببوش و چوغا را نیز روی آن بر تن کن تا همه اقوام و
آشنایان به تماشای تو بیایند.

سرداری که معنی لغوی آن، منسوب به سردار است، جامه‌ای است کمرچین که
روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شود (غیبی، ۱۳۸۷: ۵۲۶). سرداری مردان که از
جنس مخمل تهیه شده است تا سر زانو را می‌پوشاند (شفیع‌زاده، ۱۳۸۳: ۳۱۸). این لباس
در کمر، چین دارد و جلو آن باز و دارای آستینی بلند است. در واقع، سرداری مردان،
شبیه سرداری زنان است؛ با این تفاوت که سرداری زنان از مخمل‌های یکرنگ دوخته
می‌شود؛ اما سرداری مردان از مخمل‌های طرح‌دار است.

۴-۱-۴. چوغا

ای حج هتینه لا به گره مرمّر نوخوای وارون بوواره چوغات به گری تر

ey haj hatina lā begere marmar/ Nowxʔy vʔrone bowʔre ûxāt bekare
tar

برگردان: از سفر حج برگشتی، در کوه مرمز پناه بگیر. چه بسا باران ببارد و چوغایت
خیس شود.

چوغا نوعی بالاپوش مردانه از جنس پشم سفید طبیعی است با راه‌راه‌های سیاه و یا
نیلی که به صورت عمودی بافته می‌شود. هرچه نخ نازک‌تر باشد، بافت چوغا زیباتر
است. بلندی این تن‌پوش بدون آستین تا روی زانوست و روی شانه، درزهای آن به هم
بافته شده و سردوزی می‌شود. لبه‌های جلو و دور آستین را حاشیه‌دوزی می‌کنند تا
کلفت‌تر باشد. در زیر این تن‌پوش، پیراهن آستین‌دار می‌پوشند. ظریف‌ترین چوغا به
اقتباس از نام دهکده‌ای در لرستان به نام «لیواس» و به سبب دوخت اهالی آن روستا،
معروف به «چوغا لیواسی» شده است (متین، ۱۳۸۲: ۳۵۷). معمولاً بر روی چوغا، شالی هم

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان و... _____ محمدحسین خان محمدی و همکار

به دور کمر می‌بندند. این شال پارچه‌ای سفید و بلند است که چند بار به دور کمر می‌گردانند، بدون اینکه گره بخورد.

چوغا تا حدود ۲۰-۳۰ سال پیش، رواج چشمگیری داشت؛ اما اندک اندک کم‌رنگ شد و در حال حاضر تنها عده کمی از مردان سال‌خورده و بزرگان ساکن روستاها از آن استفاده می‌کنند. این چوغا دو نوع است؛ یکی «بتیه»، یعنی چوغایی که از رنگ طلائی یا سفید بافته شود که بیشتر، جوان‌ترها در مراسم‌های شادی همچون عروسی‌ها و جشن‌ها می‌پوشند و دیگری (آبا) یا عباس‌ت که رنگ آن مشکی است و مردان سال‌خورده آن را در مراسم عزا می‌پوشند (رحیمی عثمانوندی، ۱۳۷۹: ۱۱۶).

۴-۱-۵. کت و گُلونی

کت و گُلونی یه کت بنیم ئی نوم سرداری گرت و خاک نگرن ازا یادگاری

Kat o golvani yakat benim i nom sardāri/Gart o xāk nageren arrā yādgāri

برگردان: کت و گُلونی و سرداریت را نگه می‌داریم تا گرد و غبار نگیرند و به‌عنوان

یادگاری بمانند.



کت پارچه ابریشمی ۱×۱ است که به صورت مربع به هم وصل می‌کنند و زنان لک‌زبان در زمان عزاداری به سر می‌بندند. گاهی اوقات مردان هم «کت» را دور کلاه نمدی می‌پیچند و بر سر می‌گذارند و یا دور گردن می‌اندازند و دور کمر می‌بندند. گُلونی پارچه‌ای ابریشمی، ترکیبی از رنگ‌های قرمز، سفید و مشکی است که زنان بر سر می‌بندند و گاهی هم مردان آن را دور کلاه نمدی می‌پیچند و بر سر می‌گذارند و یا بر دور کمر و گردن می‌بندند.

۴-۱-۶. کِلاو

در زبان لکی، کلاه را «کِلاو» می‌گویند. مردان لک‌زبان، چند نوع کلاه دارند که از پشم گوسفند شش‌ماهه که «ورن» نام دارد، درست می‌شود. نمدمالی این کار را انجام می‌دهد. هر چه این کلاه، بلندتر باشد، شکوه آن بیشتر است. بلندی این کلاه نمدی

حدود ۲۵-۲۸ سانتی‌متر و به شکل یک نیم کره است. هیبت عمومی این کلاه، یادآور کلاه داریوش در نقوش تخت جمشید است (پهلوان، ۱۳۹۳: ۱۰۱). پایین کلاه نمدی - جایی که بر پیشانی قرار دارد- را دستمال کلاغی ریشه‌دار می‌بندند و ریشه‌های آن را در اطراف سر و صورت آویزان می‌کنند.

من ئی بالا دوس کلوم لاره نه گوشمُو سرهنگ نه ئو تیمساره

Men e bālā dus koloem lāra/Na gou sarhang na e timsāra
برگردان: من به پشتیبانی و حمایت دوست، امیدوارم و در این راه، باکی از سرهنگ و تیمسار ندارم.

۱-۶-۱-۴. کِلاو چرمی

کوناخ مگنه ریز میل آری راوا کلاو چرمیل سرکشتی ماوا

Kownāx megna reyz mil āri rāwā/Kelāw armeyl sarke tīnəwəʔ

کلاو چرمی = کلاه سفید

برگردان: کجايند کلاه‌سفیدان اهل سرکشتی که دسته تفنگشان با منگنه آرایش شده بود و گلنگدن تفنگشان به آسانی حرکت می‌کرد؟
کلاو چرمی نوعی کلاه نمدی سفیدرنگ است که هیچ درزی ندارد و در نوک کلگی کلاه، حدود پنج سانتی‌متر از آن را به هم می‌چسبانند. این نوع کلاه را کلاه منگنه‌دار هم می‌گویند.

۲-۶-۱-۴. کویرک

فدای هراتی دور کویرکت بام چوارگُو اورهنگتِ نوا تپیت بام

Fedāy herāti dowre koeraket bām/ owʔr lu orhangte nowā tipet bām

کویرک = گُرک بز. مجاز از کلاه

برگردان: فدای سربند ابریشمین دور کلاهت شوم که آن را بر سر گذاشتی و آراسته جلودار همه بودی.

نوعی دیگر از کلاه مردان این خطه، کلاهی است که از گُرک بز «کویرک» و «ورن» درست می‌شود. این کلاه را معمولاً شکارچیان و سوارکاران می‌پوشیدند و گاهی هم جوانان در جشن‌ها و مهمانی‌ها همراه با چوغا می‌پوشیدند.

۳-۶-۱-۴. کلاو اسبه

بِه‌رِی تِغَنگِ چی رِشِیانه اِ بُونه کُل کلاو اِسبِه یِل برِناو اِ شونه

Berey tefang i re yʔne ɬona/ Kowl kelāw esbeyal bernāw e on

کِلاو اِسبِه = کلاه سفید



تصویر ۷- کلاه نمدی

برگردان: گروهی تفنگچی در این دشت جمع شدند. همه کلاه سفید بر سر و تفنگ برناو بر دوش دارند.

نوع دیگر کلاه نمدی مردان لک‌زبان از پشم بره «وَرک» درست می‌شود. در رأس این کلاه که نقش حفاظتی در برابر عوامل طبیعی را دارد، سوراخ‌های ریزی می‌گذارند به نام «دیزنه» (به معنی بادکش) که گرمای سر را خارج می‌کند. این کلاه نمدی سفیدرنگ به شکل نیم‌کره است.

۷-۱-۴. کُله بال

اِ تُو کُله بالِت بِچِر گُرانی نُوخوای بِمِری وَ نُوجوانی

ɬou kola bālt be er gorʔni/ Novxāy bameri va novjawāni

کُله‌بال = تن پوش نمدی

برگردان: ای جوانی که تن پوش نمدی بر تن داری، شاد باش و از جوانی خود استفاده کن. ممکن است در سن جوانی بمیری و فرصت دیگر خوشی‌های زندگی را نداشته باشی.

کُله‌بال پوششی است از پشم گوسفند که توسط نمدمال درست می‌شود. کله‌بال، کمی کوتاه‌تر از کپنک است و آستین ندارد. این تن پوش نمدی را معمولاً مردان عشایر هنگام کوچ می‌پوشند.

۸-۱-۴. کِلاش

کِلاشل امیر بارنِ وَه نازِ بِنِ پا وَه تاجیل مَچو وَ وَرِپیری شا

Kelāshal mir bāren va nāz bene pā/ va tājil ma u va varpiri ؟

برگردان: کفش‌های امیر را پیش پایش بگذارید تا با ناز پا بردارد. به استقبال شاه می‌رود و با عجله، گام برمی‌دارد.

تو کلاشت کافزه و نظم به نی‌پا و دیوونه مه‌چی و پا ارگ شا

Tow Klē tekʔqaza va nazm be nipʔ/ Va diwuna ma i va pʔ arge ؟

برگردان: تو که به دربار شاه می‌روی، کفش‌هایت از کاغذ است آرام قدم بردار. کلاش نوعی کفش دست‌بافت است که تخت آن از جنس لاستیک و رویه آن از نخ‌های پنبه‌ای یا پشمی است. پس از بافت برای استحکام کفش، دور تا دور آن را با لاستیک، نواردوزی می‌کنند؛ زیرا نسبت به بقیه کفش‌ها دوام بیشتری دارد، هنگام کار کشاورزی یا دامداری از این نوع کفش می‌پوشند.

۴-۲. جایگاه پوشش زنان در تک‌بیتی‌های مور

۴-۲-۱. کوش

کوشت ثغری مس و پر پاوه زمین منت‌بار تو بچین ای راه

Ko et saqāmas va per pʔwa/ Zamin menatbʔr to be in e rāwa

کوش ثغری = کفش پاشنه‌باریک

کفش پای تو ظریف و پاشنه‌باریک است و دقیقاً اندازه پای تو است. بر خاک زمین منت می‌گذاری اگر از این راه عبور کنی.

۴-۲-۲. سرون

صوگه وریساین خش داین و سرون مر گشس بانو ای شئر ارمن

So ge verisāyn xe ālyn va sarvan/ Mar ga asbʔnu ey æ arman

برگردان: صبح که از خواب برخاستی دستی بر سربند خود زدی و آن را آراستی. از بس که زیبا جلوه کردی انگار گشس‌بانو و یا شیرین ارمنی بودی.

۴-۲-۳. کراس

کراس کرچکت بورنر بون کوشت کتیسر باوت بالامی بی خوشت

Kerās ker akat bornar bun ko tē Kateyasar bāwet bālāy be xo et

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان و... _____ محمدحسین خان‌محمدی و همکار

برگردان: پیراهن زیبا و چین‌دار را به اندازه‌ای دوخته‌اند که بلندی‌اش بر روی کفش می‌رسد و به‌راستی که لیاقت این قامت بلند و بی‌عیب تو را دارد.

نتیجه‌گیری

پوشاک، مشخص‌ترین نماد فرهنگ هر قوم و یکی از راه‌های دستیابی به شناخت فرهنگ و تمدن اقوام مختلف است. از این‌رو، می‌توان آن را یکی از مناسب‌ترین وسایل انتقال فرهنگی دانست. درحقیقت شناخت فرهنگ هر قوم به شناخت و بررسی لباس‌های محلی آن قوم وابسته است؛ زیرا کسی که لباس قومی می‌پوشد اعتقادات، باورها، تاریخ و فرهنگ آن قوم را به صورت فشرده در قالب آن لباس بیان می‌کند. همچنین می‌توان یکی از راه‌های بررسی و مطالعه پوشش هر قوم را، بررسی ادبیات (شفاهی و کتبی) آن قوم دانست. در استان لرستان و در بین لک‌زبانان این استان، اشعار لکی در قالب‌های مختلف ادبی سروده شده است که خاص مردم این خطه است و از روحیات آن‌ها طی قرون متمادی سرچشمه گرفته است. ادیبان لک‌زبان در قالب‌های مختلف شعری درباره پوشش سنتی این قوم اشعاری سروده‌اند. از جمله این سروده‌ها ابیات دل‌انگیز و افسونگر مویه و چهل‌سرود است. این اشعار از قدیمی‌ترین سروده‌های دره سیم‌ره هستند که به زبان لکی سروده شده‌اند. با اینکه سراینده اصلی این اشعار مشخص نیست و نمی‌توان این سروده‌ها را به یک نفر و یا یک دوره خاص نسبت داد؛ اما قدرت تأثیر این سروده‌ها در شناخت شیوه زندگی، آداب و فرهنگ و پوشش سنتی قوم لک به‌روشنی دیده می‌شود. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد مور که یکی از وجوه چندگانه هوره است و در هنگام سوگواری و از دست دادن عزیزان خوانده می‌شود، به فراخور جایگاه اجتماعی افراد به توصیف دردها و رنج‌هایی که مردم در دوره‌های مختلف کشیده‌اند، می‌پردازد.

با وجود این، یکی از بهترین راه‌های معرفی پوشش سنتی مردان و زنان بر اساس شأن و منزلت آنان است. در ابیات این سروده‌ها گاه به شباهت پوشش لک‌زبانان با گذشتگان خیلی دور همچون دوره مادها و هخامنشیان و یا آیین‌های قبل از اسلام اشاره شده است و گاهی هم این ابیات، موقعیت اقتصادی و شأن و منزلت والای

اجتماعی افراد را بیان می‌کند. پوشیدن هراتی به همراه ستره به جای شال، پوشیدن سرداری و بستن کت و گلونی بر دور کمر و دوره کلاه، معرف موقعیت اقتصادی- اجتماعی والای پوشنده آن‌هاست. در مور علاوه بر موارد ذکر شده، پوشش کشاورزان و دامداران نیز توصیف می‌شود. همچنین تکبیتی‌های چل سرو که به عنوان نوعی فال در بین مردم این خطه کاربرد دارد و به فال چل سرو معروف است، بیشتر به توصیف پوشش زنان پرداخته و انواع زیورآلات زنانه (یخه دشتکی، بون سرونی، گو و نیم‌گو و ...)، سربندهای زنانه (امیری، کلهر، لچک، گلونی و کت) و همچنین انواع پیراهن و دیگر پوشش‌های آنان ذکر شده است. شاعر در ابیات فال چل سرو علاوه بر ذکر نام لباس، زیبایی پوشنده آن لباس را نیز توصیف می‌کند و آنان را به زنانی همچون شیرین و گشسب‌بانو که اسطوره زیبایی هستند، تشبیه می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

1. hure

۲. کلپوس = پوست بز کوهی.

۳. سرون سنگه لا = سربند کج.

۴. مزگانا = مژدگانی.

۵. کراس مخمل = پیراهن مخمل.

6. Kerš tere bš!

۷. بن بالی تنگه = حلقه آستینش تنگ است.

۸. پنج قرونی چال تینی = پنج ریالی دور گردن.

۹. دو قرشی چال تینی = دو ریالی دور گردن.

10. Bonsarvani

۱۱. ذرپا اوریشم = دمپا ابریشم.

12. Howārpā

منابع

- آزادبخت، جهان‌شاه (۱۳۸۷). *سرودهای ماندگار*. چ اول. خرم‌آباد: شاپورخواست.

جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان و... _____ محمدحسین خان‌محمدی و همکار

- بیرانوند، میثم (۱۳۹۰). *شناخت لرستان و شهرهای آن*. خرم‌آباد: اردیبهشت جانان.
- پارسا، بهجت‌الله (۱۳۸۸). *لرستان در باستان و امروز*. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- پهلوانی، لیلا (۱۳۹۲). *مستندنگاری البسه محلی لرستان*. اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی استان لرستان: معاونت صنایع دستی.
- دوستی، کرم (۱۳۹۲). *مردم‌شناسی ادبیات لکی*. چ اول. خرم‌آباد: سپهر ادب.
- رحیمی عثمانوندی، رستم (۱۳۷۹). *بومیان دره مهرگان*. چ اول. کرمانشاه: ماهیدشت.
- رستم‌پور، سالومه (۱۳۸۱). *مهرپرستی در ایران، هند و روم*. تهران: خورشیدآفرین.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۸). *زمینه فرهنگ‌شناسی*. تهران: عطارد.
- زینی‌پور، مهدی (۱۳۹۳). «پوشش سنتی لک و لر». *روزنامه کاسیت*. ۱۹ مرداد.
- شفیع‌زاده، فتح‌الله (۱۳۸۳). *لرستان در شعر شاعران*. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- شهشهانی، سهیلا (۱۳۷۴). *تاریخچه پوشش سر در ایران*. تهران: مدبر.
- ضیاء‌پور، جلیل (۱۳۴۶). *پوشاک ایل‌ها، چادرنشینان و روستاهای ایران*. تهران: فرهنگ و هنر.
- عسکری عالم، علی‌مردان (۱۳۸۷). *فرهنگ عامه لرستان*. ج دوم. چ اول. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- غیبی، مهرآسا (۱۳۸۷). *پوشاک اقوام ایرانی*. تهران: هیرمند.
- فهیم‌نیا، م. (۱۳۸۵). *طراحی لباس جامع*. تهران: تعاونی کارکنان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور-تورنگ.
- متین، پیمان (۱۳۸۲). *پوشاک در ایران زمین*. تهران: امیرکبیر.
- نجف‌زاده قبادی، امیدعلی (۱۳۹۱). *ادبیات عامه لکی*. چ اول. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- یوسفی، مسعود (۱۳۸۷). *مویه‌های سرزمین من*. چ اول. خرم‌آباد: شاپورخواست.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی